

نقش تعالی سازمان ها در نجات اقتصاد ملی

محسن خلیلی
کنفدراسیون صنعت ایران

جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی

اسفند ۱۳۸۲

مروری بر عوامل رقابت پذیری صنایع داخلی

در حالی که اقتصاد جهانی به ویژه خاورمیانه به سبب شرایط بحرانی و پیچیده ناشی از جهانی شدن، با چالش‌های بسیاری مواجه است، اقتصاد ایران به ویژه بخش صنعت در سال‌های اخیر دستاوردهای قابل توجهی داشته است که در رشد ۶/۵ درصدی اقتصادی ملی و رشد ۱۱ درصدی بخش صنعت منعکس است و به همین سبب تمامی دست‌اندرکاران در نهادهای دولتی و بخش‌های مختلف اقتصاد شایسته تقدیرند. با این همه، ساختار اقتصاد رانتی و غیررقابتی ایران در دهه‌های اخیر آنچنان فاصله زیادی بین توان رقابتی صنایع کشور با جهان به وجود آورده است که با وجود موفقیت‌های اخیر، اقتصاد ما هنوز با مشکلات بسیار جدی و نگران‌کننده‌ای رنج می‌برد.

فضای نامناسب کسب و کار هزینه‌های قابل توجهی به تولید اعمال می‌نماید. بهره‌وری سرمایه، انرژی و نیروی کار در ایران نسبت به منطقه، آسیا و جهان بسیار پایین است. اقتصاد غیرشفاف و رانتی سبب گردیده است توان مدیریتی صنایع تحلیل رود. عدم توجه به نیازهای صنعت، کیفیت پایین آموزش و مهاجرت متخصصان و استعدادهای دست به دست هم داده تا معضل اشتغال تداوم داشته باشد، در حالیکه کشور علیرغم مواجه بودن با نرخ بالای بیکاری، با مشکل جدی در تأمین و جذب نیروی انسانی مورد نیاز خود روبرو می‌باشد. فرسودگی ماشین آلات و تجهیزات تولید و قدیمی و غیره بهره‌ور بودن فناوری سبب کاهش کیفیت و افزایش قیمت تمام شده محصولات صنعتی ایران شده است.

نتایج نامطلوب رویکرد جایگزینی واردات و شرایط جهانی سبب گردیده است که آزادسازی اقتصاد و کاهش موانع تجارت آزاد در دستور کار دولت ما نیز قرار گیرد و در سال‌های اخیر شاهد کاهش محدودیت‌های غیرمقداری و موانع غیرتعرفه‌ای بوده‌ایم و این امر می‌رود که بازار ایران را در

دسترس رقبای جهانی قرار دهد ، هر چند که پدیده قاچاق در عمل سالهاست حمایت از صنایع داخلی را با مشکلات جدی مواجه ساخته و آن را کم اثر ساخته است .

شفاف سازی نظام حمایتی از تولیدات داخلی و نیز حذف موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تدریجی و دائمی تعرفه‌ها تا رساندن آن به صفر که از اهداف سازمان تجارت جهانی است ، همگی در جهت استقرار نظام اقتصاد آزاد رقابتی ، تخصیص بهینه عوامل تولید در سراسر جهان و نهایتاً رشد اقتصادی بیشتر و اشتغال و تولید و رفاه بیشتر مردم در سراسر جهان است که تجربه پنجاه ساله گذشته، همه این نکات را ثابت کرده است . اما باید توجه داشت که برخورداری از این مزایا مخصوصاً توسعه صنعتی ، افزایش صادرات ، ارتقاء تکنولوژی ، رقابت پذیری تولیدات داخلی در مقابل واردات و نیز در مقابل تولیدات سایر کشورها در بازار جهانی ، امری مستقل و تنها مربوط به سطح تعرفه‌ها و یا حذف موانع غیرتعرفه‌ای نیست .

وضع تعرفه برای حمایت از تولید داخلی - در صورتی مؤثر است که شرایط زیر حاکم و برقرار باشد :

■ وضع تعرفه بر واردات منجر به بالا رفتن قیمت کالای وارداتی مورد تعرفه شود و در نتیجه

تقاضا برای آن کالا را کمتر کند . یعنی حساسیت قیمتی کالای مورد تعرفه مثبت باشد .

■ کالای مشابه داخلی وجود داشته باشد که از نظر کیفیت و مقدار بتواند جایگزین کالای

خارجی شود . روند قیمت تمام شده کالای داخلی متناسب با روند تغییرات قیمت کالاها

در جهان باشد .

■ معافیت از تعرفه مورد نظر برای هیچ وارد کننده‌ای وجود نداشته باشد . (ورود کالا از

مناطق آزاد ، بازارچه‌های مرزی و کالای همراه مسافر مخصوصاً مسافرین زیارتی مشمول

معافیت نباشد).

■ واردات رسمی تنها منبع واردات باشد به عبارت دیگر مرزهای کشور کاملاً بر روی قاچاق بسته باشد .

■ تعرفه بالاتر ، از طریق سیاست‌های دیگر مثل سیاست های ارزی خنثی نشود . امتیازات خاص و تخفیفات خاص در هزینه‌های مثلاً بندری ، حمل و نقل و غیره واگذار نشود .

■ کشور صادرکننده در مقابل وضع تعرفه در کشور مقصد تخفیفات خاص یا سوبسید خاص تازه به صادرکننده ندهد .

در ایران تولیدکننده داخلی حداقل به پنج دلیل در مقابل رقبا خلع سلاح شده است و نه تنها بازارهای خارجی را نمی‌تواند فتح نماید بلکه بازارهای داخلی را نیز روز به روز بیشتر از دست می‌دهد .

۱. افزایش دائمی قیمت تمام شده در اثر فشارهای تورمی ناشی از سیاست‌های مالی دولت و غیر مؤثر بودن سیاست های پولی، بدون ورود به علل افزایش دائمی نقدینگی (هزینه کردن قسمتی از درآمد نفت در داخل و کسر بودجه دائمی تا حد ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی) ارقام زیر روند افزایش نقدینگی و روند افزایش شاخص قیمت های تولید کننده (شاخص بهای تولیدکننده) را در پنج سال اخیر نشان می‌دهد .

شاخص نقدینگی	شاخص بهای تولید کننده	شاخص فنی (تورم در کل اقتصاد)	سال
۲۰/۱	۲۲/۹	۳۰/۰	۱۳۷۸
۲۹/۳	۱۶/۳	۲۶/۵	۱۳۷۹
۲۸/۸	۱۰/۹	۱۱/۴	۱۳۸۰
۳۰/۱	۱۳/۴	۲۹/۵	۱۳۸۱
۲/۳ ^(۱)	۱۵/۲	(۲)	۱۳۸۲ ^(۲)

(۱) سه ماهه اول سال ۱۳۸۲ - رشد نقدینگی در پایان خرداد ۱۳۸۲ ، نسبت به خرداد ۱۳۸۱ برابر ۲۵/۹ درصد بوده است که نشان دهنده رشد شدید نقدینگی در ماه‌های پایانی سال است .

(۲) شاخص فنی تولید ناخالص داخلی (GDP deflator) برای سال ۱۳۸۲ هنوز در دست نیست . ولی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرف در سه ماهه اول سال رشدی برابر ۱۶/۸ درصد و شاخص بهای عمده فروشی در همین مدت برابر ۱۰/۷ درصد داشته است .

ارقام شاخص بهای تولیدکننده نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۷۷ تا خرداد ۱۳۸۲ قیمت تمام‌شده تولیدات داخلی، ۱۰۷ درصد افزایش یافته است. این افزایش هزینه تولید داخلی یا حداقل دو برابر شدن هزینه تولید داخلی در مقابل ثبات نسبی هزینه تولید در ممالک رقیب و مخصوصاً قیمت کالاهای چینی، امکان هر گونه رقابت را از کالاهای داخلی حتی در بازار داخل سلب می‌نماید. تثبیت نرخ ارز و یا رشد یک درصدی سالانه آن نقش مهمی در پایین نگاه داشتن هزینه واردات دارد.

۲. کالاهای خارجی حداقل از قاچاق، بازارچه‌های مرزی، مناطق آزاد، معافیت‌های خاص و واردات چمدانی دیگر با کالاهای داخلی رقابت می‌نمایند و جایگزین آن شده‌اند.

سال	ارزش واردات (میلیون دلار)	میانگین نرخ ارز در بازار آزاد
۱۳۷۸	۱۲۶۸۳	۸۶۵۷/۶۸
۱۳۷۹	۱۴۳۴۷	۸۱۸۸/۱۳
۱۳۸۰	۱۷۶۲۷	۸۰۰۸/۴۵
۱۳۸۱	۲۱۱۸۰	۸۰۱۸/۹۴
۱۳۸۲	۶۴۴۷	۸۱۸۹/۷۸

۳. ثابت نگاه داشتن نسبی نرخ دلار در شرایط افزایش ارزش سایر ارزها نسبت به دلار، از یک

طرف خریدهای دلاری را تشویق و واردات ما را از مناطق آسیایی و مخصوصاً چین افزایش داده

است و از طرف دیگر کالای وارداتی (چه رسمی و چه قاچاق) را در مقابل کالای تولید داخلی

ارزانتر و ارزانتر می‌نماید که نتیجه آن دو برابر شدن واردات در پنجسال اخیر است.

این حجم عظیم واردات سالانه معرف این واقعیت است که سیاست بازرگانی خارجی و سیاست‌های

ارزی و اعتباری کشور پا به پای افزایش درآمد نفت مشوق واردات بوده است.

۴. ناتوانی تولیدکننده داخلی در مقابل واردات امروز از مرز کالاهای ساخته شده و نهایی گذشته

است و به سطح اجزاء کالاها و قطعات به ضرر تولید داخلی رسیده است. بالا بودن هزینه تولید در

داخل ، متأثر از افزایش دائمی تورم ، تولیدکننده را تشویق نموده است که از تولید بسیاری از اجزاء کالا و قطعات در داخل صرف نظر نماید و آن را به قیمت‌های بسیار ارزان از رقیب خود خریده و از خارج وارد و در ایران مونتاژ نماید . کالاهای تولید داخلی در واقع دیگر صد در صد تولید داخلی نیست و ارزش افزوده خالص واقعی اندکی دارد . فقدان رابطه بین تولید داخلی با سطح اشتغال و افزایش بیکاران ناشی از جایگزینی واردات اجزاء و قطعات ، حاصل ناتوانی تولید داخلی در رقابت با واردات است .

• عوامل دیگری مانند بالا بودن نرخ بهره در قیاس

با نرخ‌های متعارف جهانی بوروکراسی و اتلاف وقت

نیز هزینه کسب کار و تولید در کشور را افزایش

می‌دهد . کمبود اعتبارات لازم برای سرمایه گذاری و

توسعه ، کمبود سرمایه در گردش و کمبود انضباط کار

و پایین بودن کارآیی و کمبود دانش و مهارت‌های

تخصصی و مدیریتی و ساختارهای نامناسب سازمانی

دولت توسعه‌گرا

جامعه
مدنی

بخش خصوصی
رقابت‌پذیر

نیز از عوامل کلیدی ناتوانی صنایع داخلی در حفظ بازار داخل و نفوذ به بازارهای خارجی است .

بدین ترتیب دیده می‌شود با همه اصلاحات و تلاش‌های در خور تقدیری که دولت و مجلس در زمینه

بهبود فضای کسب و کار بعمل آورده‌اند ، حفظ و بقای واحدهای تولیدی و صنعتی هر روزه مشکل‌تر

می‌شود . پرسش اساسی این است که چگونه این روند را می‌توان متوقف و معکوس نمود؟ نقش

دولت در این میان چیست ؟ آیا دولت به تنهایی باید بار سنگین این تحول اساسی را به دوش کشد ؟

نقش بنگاه‌ها در این زمینه چیست ؟ آیا بنگاه‌های موجود با ساختار نامناسب و عملکرد نامطلوب

قادر به جذب سرمایه، فناوری و دانش‌های روز هستند؟ چگونه بنگاه‌هایی می‌توانند در صورت فراهم آمدن فضای ملی مناسب کسب و کار به بازار جهانی راه یابند؟ امروزه جهان به این نکته واقف گردیده است که موفقیت در توسعه همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در گرو مشارکت و همدلی سه نیروی اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است.

نقش دولت در توسعه

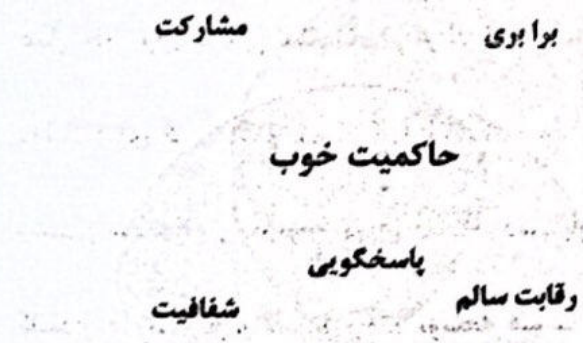
نقش دولت‌ها در توسعه نیز مانند دیگر پدیده‌های پیچیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جهان امروز دستخوش تغییر و تحول است. در جوامعی که دولت‌ها همواره کوشیده‌اند دست برتر و نقش محوری در تمامی جوانب حیات اجتماعی و اقتصادی را داشته باشند، انتظارات زیادی از دولت‌ها برای توسعه و تحول اساسی وجود دارد. مرور عملکرد دولت‌ها در قرن بیستم نشان می‌دهد که هرگاه سیاست‌های دولت سبب سلب اعتماد بخش خصوصی گردیده و آنها از سرمایه‌گذاری و فعالیت باز ایستاده‌اند، برنامه‌های توسعه‌ای نیز به نتایج مطلوب نیانجامیده است. این امر در چرخه‌ای منفی سبب شده است که دولت‌ها نیز از تأمین منابع لازم برای تداوم توسعه در مانده و در عمل بطور روزافزونی ناکارآمدتر از گذشته جلوه کرده‌اند.

دولت‌های کارآمد و توسعه‌گرا با ایجاد و استقرار فضای مناسب کسب و کار، فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی بازار و ایجاد امکان دستیابی به زندگی سالمتر و سعادت‌مندی برای مردم عامل کلیدی در تسریع و تسهیل روند توسعه هستند. هر چند مشخصه‌های کارآمدی دولت‌ها با توجه به مراحل توسعه، شرایط فرهنگی و اجتماعی و چگونگی نظام‌های سیاسی متفاوت است ولی بهر حال دولت‌ها نقش مرکزی در فرایند توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌نمایند. بازسازی ویرانی‌های بازمانده از جنگ دوم جهانی به ویژه در آلمان و ژاپن را دولت‌های دلسوز و مقتدر آنان

به اجرا درآورند ، اما نکته ظریفی در این میان وجود دارد ، قابلیت‌ها و توانمندی‌های دولت‌ها در رابطه آنها با مردم و از طریق فراهم آوردن زمینه مشارکت فعال و گسترده انسان‌ها شکل می‌گیرد . توانمندی دولت‌ها در توانایی انجام و تشویق کارایی فعالیت‌های جمعی و فراهم آوردن فضایی است که مردم بتوانند قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را توسعه داده و استعداد آنان زمینه و تحقق یابد . در واقع دولت‌ها زمانی کارآمد هستند که بتوانند شهروندان و بنگاه‌های خصوصی کارآمدی ایجاد نمایند . بنگاه کارآمد بدون شهروندان آزاد و توانمند قابل تصور نیست . بر این اساس می‌توان ضرورت عدم تمرکز برای کارآیی بیشتر دولت‌ها را درک کرد ، عدم تمرکز به معنای کاستن از دامنه دخالت دولت‌ها در کارهای تصدی‌گری و نزدیک‌تر نمودن دولت و مردم از طریق تمرکززدایی و افزایش مشارکت‌های مردم و در عین حال پاسخگوتر نمودن دولت‌ها و قرار دادن نهادهای دولتی در معرض رقابت بیشتر است .

نقش ارتباط دولت و جامعه

بررسی عملکرد و تجارب کشورهای مختلف به ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا در زمینه توسعه نشان داده است که پیشرفت جوامع بیش از هر چیز به چگونگی روابط دولت و جامعه بستگی دارد. جلب مشارکت فعال و مؤثر مردم از عوامل کلیدی تحقق برنامه‌های



توسعه‌ای است. برابری در سطح جامعه و رفع تبعیض‌های ناروا زمینه و فرصت مشارکت در حکومت را برای بخش‌های مختلف جامعه فراهم می‌آورد و آنان فرصت‌های بیشتری برای شناسایی و تحقق استعدادهایشان می‌یابند. برابری در قالب حاکمیت با فراهم آوردن امکان دسترسی متناسب و برابر به خدمات دولتی، مشارکت آحاد جامعه را در فرایند توسعه تسهیل می‌نماید.

پاسخگو بودن حکومت در برابر چگونگی اجرای برنامه‌ها و پذیرش مسئولیت موفقیت‌ها و شکست‌ها عامل شکوفایی یک حاکمیت شایسته است. باید توجه داشت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری متکی به دانش و دسترسی به اطلاعات است، پس تکیه بر شفافیت، ساز و کارهای حکومتی دارد و سبب می‌گردد که انگیزه انجام وظیفه براساس صداقت، وفاداری و کارایی در دولتمردان تقویت گردد. شفاف بودن و رقابت سالم دو اصل مهم مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن است که سبب می‌گردد زمینه سوءاستفاده افراد نالایق و سودجو به حداقل کاهش یابد.

بهبود حاکمیت سبب می‌گردد که هزینه‌ها کاهش یافته، ایجاد کسب و کار جدید تسهیل گردد و کسب و کارهای موجود تقویت شوند. حاکمیت خوب که بر اصول مشارکت فعال و مؤثر مردم، پاسخگویی دولت، شفافیت امور، ظرفیت‌سازی و توانمندی آحاد جامعه استوار است، سبب تقویت مسئولیت‌پذیری درونی جامعه گردیده و زمینه مشارکت هر چه بیشتر بخش خصوصی و بنگاه‌ها را فراهم می‌آورد.

نقش بنگاه‌ها در نجات اقتصاد ملی

هر چند دولت‌ها عهده‌دار ایجاد و تقویت بنیادهای نهادین برای توسعه بازارها، ثبات اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری در خدمات اساسی اجتماعی و زیرساخت‌ها، توسعه عدالت اجتماعی و حفاظت از

محیط زیست می‌باشند، اما ثروت و در نتیجه سطح رفاه و رشد، نتیجه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی است. مطالعات بانک جهانی^(۱) نشان داده است که حقوق مالکیت نامطمئن، فساد، جنایت، نظام نامناسب مالیاتی، بازارهای نابسامان مالی، تورم، بی‌ثباتی سیاسی و تأسیسات ضعیف زیربنایی عمده‌ترین موانع کارآمدی و توسعه بخش خصوصی است. پرسش اساسی دیگر این است که چگونه می‌توان عملکردهای بنگاه‌های بخش خصوصی را ارتقا بخشید. این پرسش اساسی علوم مدیریت و اقتصاد نیز می‌باشد و در پاسخ به آن دانش مدیریت توسعه یافته و فنون و نظام‌های گوناگون مدیریتی عرضه شده است که در ارتقاء بهره‌وری نیز نقشی ارزنده و شایسته ایفا نموده است. در دهه‌های اخیر سرعت و تنوع توسعه علوم و فنون مدیریت به حدی بوده است که نوعی آشفتگی ذهنی و دشواری انتخاب در واحدهای کسب و کار ایجاد نموده است. مدل‌های تعالی کسب و کار در پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند که مجموعه فنون و نظام‌های مدیریتی را در یک قالب یکپارچه و سازگار با عملکردی مؤثر و کاربردی آسان در اختیار بنگاه‌ها قرار دهند.

سازمان‌ها با امواج مختلف نظریات و فنون مدیریتی مانند مدیریت بر مبنای هدف، مدیریت استراتژیک، مدیریت فرایندهای کسب و کار، نظام‌های مدیریت کیفیت، مدیریت مشارکتی، مهندسی مجدد، مدیریت مبتنی بر نتایج و مدیریت ارتباط با مشتریان و... مواجه بوده‌اند و هر یک از این امواج نیز سازمان‌ها را به میزانی به پیش رانده است ولی اینکه آیا متناسب با منابع صرف شده مؤثر واقع می‌گردد یا نه، جای بررسی و تعمق بیشتری دارد. ایجاد و استقرار مدل‌های یکپارچه‌ای که توازنی ساختاری بین عوامل کلیدی در عملکرد بنگاه بوجود آورد و به نحو مؤثری یافته‌های علوم و فنون مدیریت را بکار گیرد از نیازهای اساسی سازمان‌ها به شمار می‌آید. تجربه و عملکرد

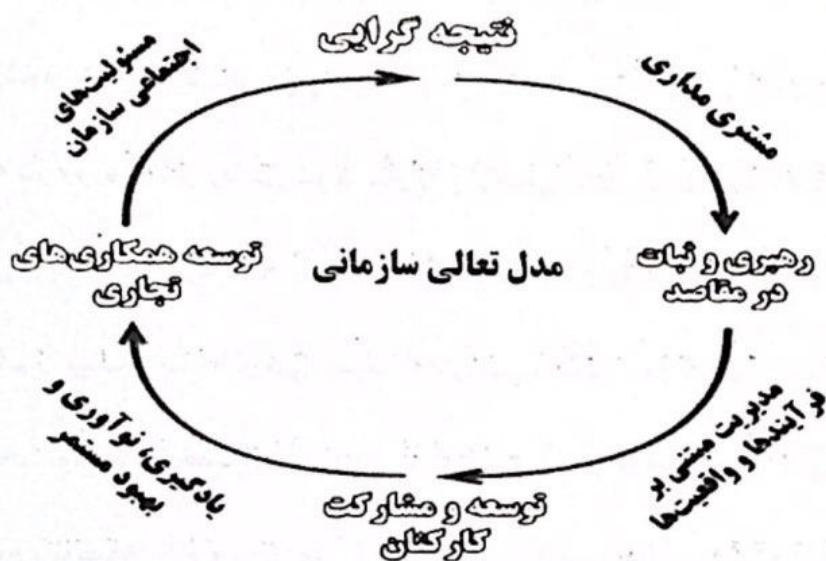
بناگاه‌های برتر و موفق پایه و اساس طراحی مدل‌ها بوده است به همین سبب نیز راهنمای مؤثر و موفق برای دنیای کسب و کار به شمار می‌آید .

مدل‌های تعالی سازمانی راهنمای ارتقاء عملکرد بناگاه‌ها

به نحو فزاینده‌ای به پیچیدگی عملکرد و ارتباطات بناگاه‌ها با ذینفعان آنان شامل مشتریان ، سهامداران ، مدیران ، کارکنان ، تأمین کنندگان ، نهادهای دولتی ، اقتصادی و اجتماعی و جامعه افزوده می‌شود . ارزیابی عملکرد و وضعیت موجود سازمان و شناسایی زمینه‌های بهبود برای بقاء در محیطی که هر روزه بیشتر رقابتی شو د. نیاز به چارچوبی سامان یافته دارد که بتواند عوامل گوناگون در ارتباطی پویا مورد تجربه و تحلیل قرار داده و مستمراً آن را با شرایط محیطی بسنجد.

در آغاز قرن بیستم به نظر می‌رسید که بازرسی محصولات و کسب اطمینان از کیفیت و انطباق ویژگی محصول با مشخصات مورد نظر برای پیروزی در عرصه رقابت کافی است . پس از جنگ جهانی دوم ، توسعه نظام و روش‌های پیچیده کنترل کیفیت سطح تعالی و پیچیده‌تری از ابزارهای مدیریتی را عرضه نمود ولی به زودی افزایش رقابت در بازارها نشان داد که نیاز به ابزارهای کارآمدتری است که در پاسخ به این نیاز نظام‌های تضمین کیفیت و سپس مدیریت کیفیت و استانداردهای جهانی آن پدیدار شد . مدیریت فراگیر کیفیت مرحله پیشرفته‌تری از تلاش‌های بشری در این حوزه به شمار می‌آید و پیچیده‌ترین ابزاری است که از تکامل تلاش‌های مختلف در حوزه مدیریت و ارتقاء بهره‌وری به وجود آمده است . مدل‌های تعالی سازمانی از یک سو چارچوبی برای ارزیابی و سنجش عملکرد و وضعیت امروز و شناسایی زمینه‌های بهبود و تعالی سازمان است و از سوی دیگر نقشه و راهنمای عمل سازمان‌ها برای پرداختن به تمامی عوامل مؤثر یافتن نقاط قوت و زمینه‌های بهبود است . این مدل‌ها امکان شناسایی بهترین و موفق‌ترین تجارب را فراهم ساخته و

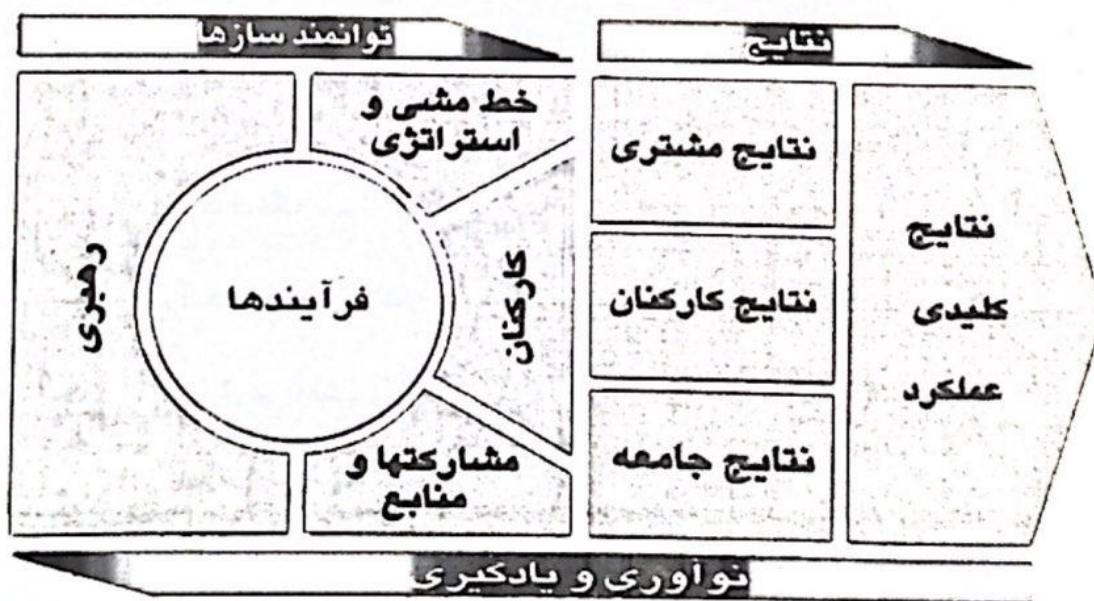
راه‌هایی مؤثر برای انتقال این تجارب و تسری آنها در سازمان‌های دیگر را بوجود می‌آورند. بدین ترتیب بستر مناسب جهت ارتقاء توان مدیریتی در سطح جامعه و کارآمدی عمومی تحقق می‌یابد. نگاهی به ارزش‌ها و مفاهیم بنیادین مدل تعالی سازمانی در ایران که بر گرفته از تلاش‌ها و تجارب اروپایی متحد است، نشان می‌دهد که اساس و کلیدی‌ترین مفاهیم کسب و کار در این مدل مورد توجه قرار گرفته است.



مدل‌های تعالی سازمانی پاسخ‌های مناسبی به این پرسش‌ها می‌دهند. سازمان برتر چگونه سازمانی است؟ چه اهداف و مفاهیمی را پیگیری می‌کند؟ چه چشم‌اندازی دارد و آینده را چگونه می‌خواهد؟ چه ارزش‌هایی بر رفتار آن حاکم است و چه معیارهایی برای سنجش در اختیار دارد؟ هر یک از مفاهیم فوق می‌تواند درجه‌های متعددی برای تحول اساسی در سازمان‌ها و ارتقاء عملکرد آنها بگشاید.

در یک نگاه کلی می‌توان دریافت که تعالی در این مدل‌ها در پس دستیابی به نتایجی است که رضایت تمامی ذینفعان سازمان را برآورده نموده و ارزش‌های مطلوب برای آنان ایجاد نماید. تمرکز را بر شناسایی و تأمین نیازهای مشتریان قرار می‌دهد، بر رهبری دوراندیشانه و الهام‌بخش و

همراه با ثبات در مقاصد تأکید می‌کند و آن را امری حیاتی برای همسویی سازمان بر مبنای چشم‌اندازی روشن مشتمل بر اهداف مشخص و ارزش‌های متعالی و فراگیر می‌شناسد. به ایجاد مدیریت مؤثری از طریق مجموعه‌ای از نظام‌ها و فرایندها و متکی به واقعیت‌ها تأکید می‌کند. هرچند همگان در اهمیت کلیدی منابع انسانی داد سخن می‌دهند ولی این مدل‌ها در پی حداکثر نمودن مشارکت فعال و مؤثر کارکنان در راهبری سازمان است. به چالش کشیدن وضع موجود و توسعه خلاقیت‌ها و ایجاد سازمانی یادگیرنده را مطرح می‌سازد. به این واقعیت می‌پردازد که تعالی در جهانی که روبه یکپارچگی بازارها بدون توسعه و حفظ همکاری‌ها برای خلق ارزش افزوده بیشتر ممکن و میسر نیست و بر مسئولیت اجتماعی سازمان به عنوان راز ماندگاری تأکید می‌کند. این مفاهیم در بیشتر بحث‌های مدیریتی مطرح می‌گردد ولی بدون در دست داشتن معیارهای مشخص و منطقی و کارا برای امتیازدهی و بدون تأکید بر نتایج نمی‌توان انتظار داشت که بکار بستن این رهنمودها به ارتقاء عملکرد سازمان‌ها منجر گردد و این گلایه‌ای است که مدیران بنگاه‌ها همواره در ارتباط با مباحث مدیریتی مطرح می‌سازند. برتری و عامل کارآمدی مدل‌های تعالی سازمانی در معیارهای ارزیابی آن قرار دارد.



تفکیک معیارها به دو بخش توانمندسازها و نتایج این امکان را فراهم می‌آورد که سازمان‌ها نخست به عوامل توانمندی خود پرداخته و نحوه سازماندهی و عملکرد خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و سپس به یافته‌ها و دستاوردها در حوزه‌های مختلف نگاه کنند. نتایج بر اثر اجرای توانمندسازها حاصل می‌شود و توانمندسازها با گرفتن بازخورد از نتایج بهبود می‌یابند.

نقش جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی در توسعه صنعت کشور برابر بررسی‌های حسابرسی سال ۱۳۷۶ در حدود ۹۰۰ شرکت دولتی، بالا رفتن ۱۰٪ بهره‌وری این شرکت‌ها به میزان ۲ درصد تولید ناخالص داخلی را می‌تواند افزایش دهد. بدین ترتیب بدون نیاز به سرمایه‌گذاری جدید و با بهره‌گیری منطقی‌تر از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، تولید ملی افزایش قابل توجهی خواهد یافت. اگر می‌خواهیم کشورمان به جرگه کشورهای صنعتی درآید و سهم صنعت در GDP به بیش از ۲۵٪ برسد، می‌باید بهره‌وری افزایش یافته و عملکرد بنگاه‌ها متعالی گردد.

توسعه منابع انسانی که به زیباترین صورت در جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی شاخص آن را تعریف و مشخص می‌سازد، کوتاه‌ترین و عملی‌ترین راهی است که در حد مقدمات تمامی بنگاه‌های صنعتی ایران می‌باشد و ارزش‌های صنعتگران کشور را در تأثیرگذاری بر رشد اقتصاد ملی مقصور و عملی می‌سازد.

نقشی که این مدل‌ها در چند دهه گذشته در تعالی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی و انتقال مؤثر تجارب موفق و ترویج فرهنگ سرآمدی ایفا نموده است، تردیدی در ضرورت ترویج فرهنگ تعالی سازمانی و سرآمدی بجای نگذاشته است. استقبال وسیع جهانی از جوایز تعالی سازمانی نیز شاهدهی بر صحت این تحلیل می‌باشد. مطالعات، طرح‌ها، قوانین و تلاش‌های نوسازی صنایع و معادن ایران تصویر روشن و نسبتاً جامعی از وضعیت رقابت‌پذیری صنایع کشور در بازار جهانی، ارائه کرده است

و بخوبی عوامل و روندهایی را مشخص نموده که منجر به وضعیت کنونی گردیده است و براساس آن راهکارهای متعدد و اقدامات متنوع و ضروری را معین نموده است که در تقویت جایگاه صنایع ایران باید بکار گرفته شود. تقویت توان و دانش مدیریت و ارتقا عملکرد سازمان‌ها یکی از این حوزه‌هایی است که نیاز به بهبود اساسی دارد. جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این نیاز شکل گرفته شده است. صمیمانه باید اذعان نمود مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی، ارکان جایزه و تمامی دست‌اندرکاران تلاشی شایسته و در خور تقدیر به کار بسته‌اند.

لذا اینجانب به عنوان یک خدمتگزار قدیمی و صمیمی پیگیر توسعه صنعتی کشور، در نهایت اعتقاد و احترام کار ارزنده تمامی عزیزان دست‌اندر کار را تقدیر نموده و به تمامی یاران صنعتگر تشکلهای صنعتی کشورمان صمیمانه توصیه می‌نمایم که هر آینه علاقمند صنعتی نمودن کشور خود هستند در راه توانمندسازی منابع انسانی به این نهضت تحول ساز به پیوندند.

به امید اینکه این تلاش‌ها در کنار درک این واقعیت که دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی بدون بنگاه‌های کارآمد و برتر میسر نیست، بتواند کشور ما را در حوزه اقتصاد در جایگاه شایسته خود قرار دهد.

مراجع

- نقش دولت در جهان در حال تحول، گزارش سال ۱۹۹۷ بانک جهانی- ترجمه و انتشار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- نماگرهای آماری- بهار ۱۳۸۲- اداره بررسی‌های اقتصادی- بانک جهانی
- انتشارات جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی- مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی

سرمایه گذاری ، توسعه ، اشتغال ، رفاه
نمونه سرمایه گذاری و تلاش کارآفرینان و صنعتگران



موسسه مطالعات بهره‌وری و
منابع انسانی



کنفدراسیون صنعت ایران



وزارت صنایع و معادن